

## وضع حمل تلویزیون «ایران فردا»

### چه فردایی!! چه فردایی!!

امیر فیض-حقوقدان

«مسائل سیاسی و اجتماعی مانند ابرند، هیچگاه بدون سایه انداختن در زیر خود نمیگذرند»



هنگامیکه ابری برفراز آسمان است نمیتوان تشخیص داد که آن ابرباران مساعد و مفید دارد و یا یک طوفان سهمگین و سیل آسا، ولی کسانی که در هواشناسی ممارست دارند و نمونه ابرها را میشناسند و یا بادستگاه های علمی، هواشناسی میکنند بادرصد های احتمالی میتوانند که حامل آن ابرها را شناسائی کنند.

مسائل سیاسی هم همانگونه است یعنی بظاهرنمیتوان ازپیدایش یک حرکت سیاسی و یا ایجاد یک رسانه استثنائی دریافت مطمئنی رازیدست آورد ولی با توجه به ملاحظات وبستگی ها وقرائن وامارات وسوابق دست اندرکاران و نیز ممر سرمایه آن فعالیت جدید، میتوان بااحتمالاتی علت آن حرکت راشناسائی کرد.

#### موضوع این تحریر

این تحریرقاصد است که انگیزه وضع حمل تلویزیونی که بنام «ایران فردا» نام گذاری شده راجستجو کند.

نخست به بینیم معلوماتی که دراین راستا اعلام گردیده چیست، زیرا معلومات، دانه های تحقیق وعلانمی هستند که محقق رابه ابعاد وگوشه های نامعلوم ویا مستورهدایت میکند.

#### سرمانه راه اندازی تلویزیون «ایران فردا»

آنطور که نوریزاده مدیر وماموراین تلویزیون اعلام کرد سرمایه راه اندازی این تلویزیون بوسیله عربستان سعودی و خاصه ولیعهد آن کشورتامین شده است، ایشان مبلغ سرمایه گذاری عربستان را ذکر نکرد ولی از آنجا که بودجه تلویزیون اندیشه حدود ۱۳ میلیون دلاراست میتوان حدس زد که بودجه تلویزیون «ایران فردا» به مراتب بیشتر از بودجه تلویزیون اندیشه است، زیرا دولت عربستان خاصه مقامات سلطنتی آن کشوردرخرج کردن، حساب ومقررات ندارند.

#### معلوم دوم

معلوم دوم مدیرومامورتلویزیون است که علیرضا نوریزاده معرفی شده است ویا تجلیلی که او ازعربستان سعودی وولیعهد آن کشور کرد نشان داد که همراه آن پول واعتباریک علقه وفاداری هم به ضمانت کشیده شده است. [۱]

نوریزاده لازم به معرفی نیست، وبقول دکتریقانی <ازخانن هرچه بگونی زیادی است> وهیچ ایرانی نیست که اورانشناسد ومیتوان گفت همین شخصیت! استثنائی اوست که عربستان ماموریت راه اندازی تلویزیون رابه او داده است.

#### معلوم دیگر

معلوم دیگر اینکه به مجرد تشکیل این تلویزیون عده ای ازکسانی که درتلویزیون صدای آمریکا فعال بودند به ابوابجمعی این تلویزیون در آمدند.

این معلوم نشان میدهد که نظریه ای که شنیده میشود که قرار است بخش فارسی صدای آمریکا و اندیشه تعطیل گردد و بنظر کارشناسان آمریکائی این دو تلویزیون فرو ریخته تلقی و هدر دادن پول است چندان بیجانیت و تلویزیون «ایران فردا» همان ماموریت بخش فارسی صدای آمریکا را خواهد داشت با این تفاوت که عربستان جورمالی آنرا میکشد و نام آن تلویزیون هم یک نام ایرانی است. [!]

### معلوم دیگر

معلوم دیگر تجلیل اعلیحضرت از آن تلویزیون و کارکنان آن است.

این معلوم میرساند که اعلیحضرت از مسیر سیاسی تلویزیون مزبور آگاه و موافق هستند. درست است که مقدمه تجلیل ایشان متوجه کلیت رسانه گروهی است ولی تجلیل از متصدی آن تلویزیون که ماهیت سیاسی و بیجانانه پرستی او و کمک موثر به موفقیت شورشیان و راه اندازی تجزیه طلبان و حمایت از آنهاست، بر اعلیحضرت پوشیده نیست، آثار تجلیل، متوجه اعمال و رفتار او میشود نه خدمت رسانه ای که هنوز شروع اساسی نکرده است.

این معلوم، نامعلومی را هم معلوم میسازد و آن این است که تلویزیون «ایران فردا» تنها رسانه گروهی نیست که در خارج از کشور متولد شده ولی هیچکدام از نعمت و برکت تجلیل اعلیحضرت منتفع نشده اند الا تلویزیون ایران فردا [!] بنابراین تلویزیون مزبور باید بلند گو و مجری برنامه هائی باشد که هم عربستان و هم آمریکا بدنبال آن هستند، و تجلیل اعلیحضرت از تلویزیون مزبور جزئی از برنامه کلی است، تا ماهیت این تلویزیون بر سلطنت طلبان داخل و خارج از کشور آشکار نگردد، و از آنجا که این روزها بسیاری از کسانی که شدیداً مخالف سلطنت و حتی فعالیت های رضایه پهلوی هستند اصرار دارند که از سرمایه ایشان در راه مبارزه علیه جمهوری اسلامی استفاده شود نشان میدهد که تجلیل اعلیحضرت، همان سرمایه ای است که برای حمایت این تلویزیون بکار گرفته شده است.

### معلوم دیگر سابقه کمک عربستان

در سال ۱۳۵۸ آقای جعفر ندیم که گویا سفیر دولت شاهنشاهی ایران در عربستان سعودی بوده و یا سمتی داشته که با مقامات عربستان مربوط میشده در لندن فعالیت را برای براندازی جمهوری اسلامی آغاز کرد و به امید اینکه پادشاه و دیگر شخصیت های آن کشور آشنائی دارد، دوبر به عربستان رفت، و مقامات عربستان به او کمکی برای زندگی اش کردند ولی برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی حاضر به مساعدت نشدند.

شخصی که نامش را بیاد ندارم ولی گفته میشد که یکی از رانندگان شاهنشاه بوده است سازمانی در همان سال ۱۳۵۸ تشکیل داد که علامت سازمان او دوشمشیر که در وسط آن عبارت لاله الا الله برنگ سبز نوشته شده بود و چیزی بسیار شبیه پرچم عربستان را داشت و آنطور که خودش میگفت با سران کشور عربستان آشنائی نزدیک دارد، هرچه کوشش کرد نتوانست موافقت عربستان و یا اردن را برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بدست بیاورد.

آقای علیرضا نوریزاده برنامه ای ترتیب داد که در مراسم حج سال ۸۹ یک نشستی از مخالفین جمهوری اسلامی در خارج و داخل کشور درجده ترتیب بدهد ولی دولت عربستان با چنین فعالیتی مخالفت کرد. نوریزاده در سال ۹۰ هم برای انجام همان برنامه سال ۸۹ خیز برداشت و خودش هم به جده رفت ولی دولت عربستان اجازه تشکیل کنفرانس مورد نظر نوریزاده راندا.

آمادگی عربستان سعودی در دخالت در مسائل ایران و یاری مخالفین جمهوری اسلامی باتوجه به بستگی سیاسی بین آمریکا و عربستان نمیتواند یک امر خصوصی بین ولیعهد عربستان و نوریزاده تلقی گردد بلکه اتصال به همان موضوع کلی سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی است، که حکومت ایران به عوامل منتسب به آمریکا محول گردد.

### معلوم دیگر – وهابی ها و شیعیان

قرنهایست که سنیان و شیعیان در پاکستان و هندوستان در نهایت مسالمت باهم زندگی میکردند و این معادله در همه کشورهای اسلامی از جمله لبنان و عراق و ترکیه ادامه داشت، ولی در سالهای اخیر چنانکه مشهود است یک نزاع خونین بین سنیان و شیعیان به جریان افتاده، بطوریکه در یکماه گذشته حدود ۲۰۰ شیعه در پاکستان کشته و ۵۰۰

نفرزخمی شده اند و بقرار آمار منتشره در یکسال اخیر ۱۷۶۰ شیعه در پاکستان بهلاکت رسیده اند و هیچ روز نیست که دهها نفر از شیعیان عراقی بوسیله سنیان کشته نشوند.

این جریان نشان میدهد که نزاع سنیان و شیعیان یک برنامه سیاسی است که از جانب غرب و به رهبری عربستان سعودی جریان دارد، و سنیان پاکستان که اکثریت آنها تا دومیلیون وهابی ها میباشند بر مبارزه علیه شیعیان پاکستان اشراف کامل دارند و در سایر کشورهای اسلامی هم سنیان همانند پاکستان دست بالا را دارند و از کمکهای مالی و تسلیحاتی عربستان و قطر استفاده میکنند.

مبارزه سنیان با شیعیان محدود به پاکستان نیست در عراق و لبنان دامنه آن هر روز به وسعت است، در سوریه فعالیت های وهابی های وابسته به عربستان سعودی هستند که دولت سوریه را تهدید به سقوط میکنند، آنها هستند که سرفرازان، زنان و کودکان و مردان را کشتار میکنند زیرا دین آنها بر آنها این حکم کشتارها و ویرانی هارا داده است.

دولتهای عربی امارات و قطر و بحرین و کویت به شیعیان فشار زیادی میآورند و امارات در مقام اخراج شیعیان برآمده و شیعیان امارات که گویا حدود سی هزار نفر میباشند و بیشتر از لبنان و افغانستان و عراق هستند و کمتر ایرانی میباشند ولی دولت امارات بعلت بستگی مذهبی با مذهب ایرانیان آنها را خطرناک میداند، قصد بیرون کردن آنها را از امارات دارد.

### از معلومات نه سوی مجهول

**مقصود از ارائه معلومات بالا این است که برنامه نابودی حکومت شیعه ایران تدارک شده است، و در تمام**

**کشورهای مجاور ایران حالت سوریه کم و بیش برقرار است.**

در ایران شصت و چند درصد شیعه و ۳۲ درصد سنی هستند و در بین کشورهای اسلامی جهان ایران تنها و بزرگترین و قدرتمند ترین کشوری است که هم اکثریت با شیعیان است و هم حکومت آن باشیعه است، بنابراین درگیری های مشابه با درگیری سنی و شیعه در پاکستان و یاحتی سوریه در ایران با موفقیت همراه نیست مگر اینکه برنامه ریزی درست انجام شود.

**این برنامه ریزی بطور کامل فراهم شده است و بازوی اجرائی آن که مجاهدین خلق وهابی های حاضر به خدمت در سوریه هستند و تیم های تحت آموزش در اردن زیر نظر مستشاران آمریکائی واسرائیل کار آمد میشوند، آماده میباشند، ولی یک چیز بسیار مهم کسر داشت و آن تلویزیون مخصوص با عنوان ایرانی و کارکنان ایرانی بود زیرا که بی-بی-سی و همچنین صدای آمریکا دیگر در جایگاهی نیستند که مانند سابق، مردم به فرامین آنها اعتنائی کنند، لاجرم برنامه (ایران سوریه دوم) نیازه یک دستگاه خبری بغیر از بی - بی - سی و صدای آمریکا و کلا دستگاه خبری وابسته به ایرانیان را داشت.**

این دستگاه خبری با سرمایه عربستان که میدانیم بیشترین نیاز مالی و تسلیحاتی شورشیان سوریه را تامین میکند و در واقع **جورکش** آمریکاست بنام تلویزیون «ایران فردا» بکار افتاده است و از آنجا که شخص نوریزاده دارای سابقه ای است که مردم برایش علف هم خرد نمیکند با متصل ساختن آن تلویزیون به **تجلیل اعلیحضرت** توجه مردم را از حقیقت تلویزیون مزبور و نقشی که دارد معطوف به امید و اعتماد خواهد ساخت و توده مردم به اعتبار همان **تجلیل اعلیحضرت** در توجه رایبه روی تلویزیون مزبور باز خواهند کرد، و این درست همان چیزی است که غرب در پیاده کردن الگوی سوریه در ایران به آن نیاز دارد، **تلویزیون فردا بدون تجلیل اعلیحضرت بهیچوجه مورد تحویل هیچ ایرانی قرار نمیگرفت زیرا شخصیت نوریزاده دافع اعتماد مردم بود** و این کسری اساسی و مهم را تجلیل اعلیحضرت جبران ساخت و تمام دستاوردهای نامطلوب الگوی سوریه در ایران متاسفانه به حساب و در رابطه با همان تجلیل دوسطری ارزیابی خواهد شد.

گفت مثالی زن که روشن تر شود، گفتم نگاه کن به سوریه که آن ترجمان ماست، گفتا که ترجمان چه معنی دهد در این مقام، گفتم که امروز سوریه فردای ایران ماست.